

محدودیت غربالگری جنین در غربال عدالت

احسان امینی^{*}؛ گویا جریان فکری‌ای که امروز سکان نهادهای تقنینی و اجرایی کشور را در دست دارد آن‌چنان در تحقق برخی منویاتش تعجیل به خرج می‌دهد و به ساده‌سازی جالش‌های پیچیده جامعه روی آورده که در جریان سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرا چشم به روی تبعات و معایب تصمیماتش بسته و گوش شنوایی هم برای شنیدن دغدغه‌های منتقدان و اهل فن ندارد. بر اساس مادهٔ ۵۳ قانون جوانی جمعیت هرگونه توصیه، به مادران باردار و اراج‌آنان به انجام غربالگری ناهنجاری‌های جنینی (سنדרوم داون و…) توسط ماما و پزشکان سطح ۱ که پیش‌تر در مراکز بهداشتی انجام می‌پذیرفته، ممنوع و جرم تلقی شده است. دستورالعمل وزارت بهداشت (۱۰/۳۸۸/۱۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۳/۲۵) پا را از این هم فراتر نهاده و با غلظت تمام هر نوع آموزش، مشاوره، توصیه و تفسیر فرایند را هم منع کرده و مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۲۱ قانون مذکور دانسته که به نظر می‌رسد توسعه تعریف قانون‌گذار توسط وزارت بهداشت، ورود در صلاحیت قانون‌گذار بوده، وجاهت قانونی نداشته و قابل ابطال است. به عنوان مثال مشاوره در قانون مذکور تصریح نشده حال آنکه دستورالعمل ابلاغی وزیر، مشاوره را

هم مشمول مجازات دانسته است. بر این اساس از این پس فردی را که جهت انجام وظیفه حرفه و در راستای امنیت بهداشتی و تأمین سلامت جامعه و تولد نوزادی سالم و عاری از نارسایی‌های حادی همچون سندروم داون انجام وظیفه می‌کند، باید مستوجب مجازات دانست. حال آنکه جرم‌انگاری اساسا از فعل یا ترک فعلی صورت می‌پذیرد که سوهنیت مجرمانه در آن نهفته است و انجام آن خسارات مادی و معنوی را متوجه جامعه می‌کند. حال برای پزشک یا پرسنل حوزه بهداشت که با نیت و ذهنیت حرفه اقدام به توصیه، مشاوره و اراج‌ب یا آزمایش غربالگری می‌کند، چگونه می‌توان سوهنیت مجرمانه متصور شد؟ وقتی می‌توان با آزمایش غربالگری آن هم به اختیار و رضایت والدین باردار از تولد کودگانی که در زندگی آینده رنج و مشقت خواهند کشید و هزینه‌های متعددی بر خانواده، جامعه و دولت تحمیل خواهند کرد، پیشگیری کرد، چه اصراری بر وضع چنین محدودیت‌ها و مجازات‌هایی وجود دارد. از طرفی اینکه آزمایش غربالگری ممکن است منجر به سقط جنین شود دلیل موجهی برای ممانعت از مشاوره و توصیه و… و تعیین مجازات برای توصیه‌کننده نیست چراکه بسیاری دیگر از درمان‌های پزشکی

یک سال پس از زن‌کشی رخ داده در رومشکان:

قاتل مبینا آزاد است خبرنگار در انتظار حبس ۲۶ ماهه

مجتهدزاده، وکیل دادگستری: بررسی این پرونده نیازمند نماینده ویژه اژه‌ای و نگاه دقیق تراست

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

خبرنگار را بر عهده گرفته است. از شرایط عجیب پرونده به «شرق» گفت. او که معتقد است بی‌عدالتی در این پرونده رخ داده، می‌گوید رئیس قوه قضائیه باید نماینده ویژه خود را به لرستان بفرستد تا این پرونده با نگاهی دقیق‌تر بررسی شود.

مجتهدزاده با توصیف شرایط قاتل حدود یک سال پس از وقوع قتل می‌گوید: «الان و چند ماه پس از قتل هم قاتل حکم حبس حدود دو تا سه سالش را دریافت کرده و با قرار کفالت به‌راحتی در بیرون از زندان به زندگی خودش ادامه می‌دهد. اصلا انگار نه انگار که اتفاقی رخ داده است. اصلا انگار نه انگار که دراین‌میان یک دختر جوان جانش را از دست داده است. انگار نه انگار که دراین‌میان یک خانواده عزادار شده‌اند.» او با اشاره به شرایط دادگاه می‌گوید: «وقتی که آقای اژه‌ای سر کار آمد، شعارهای زیادی درباره لزوم ایجاد اصلاحات در دستگاه قضا داد. مواردی شبیه به اینکه ضابط زور زیادی دارد. یک فاجعه دردناک رخ داده است. دختری به دست همسرش به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده است. آن وقت پدر قاتل با سرافراشته در دادگاه حاضر می‌شود و مقابل قاضی بدون هیچ ابایی می‌گوید که پسرش رسم عشیره‌ای را اجرا کرده و هیچ خطایی مرتکب نشده است. می‌گوید اینجا عرف است. در مقابل، این خانواده مقتول هستند که با ترس و لرز در دادگاه حاضر می‌شوند و به‌سختی می‌توانند حتی یک کلمه از خود دفاع کنند.»

این وکیل دادگستری معتقد است هیچ توجهی به رضایت خانواده مقتول در حکم دادگاه نشده است: «طبق قانون به‌محض اینکه ختم دادرسی اعلام می‌شود، اگر موجهی نداشته باشد، دادگاه باید رأی را صادر کند. دادگاه این پرونده

از جمله جراحی‌های پرخطر ممکن است حین انجام منجر به مرگ بیمار شود. آیا در این صورت باید توصیه‌کننده را که با حسن نیت و از روی تعهد حرفه به این درمان توصیه کرده، به صرف مشاوره و توصیه مجازات کرد یا آنکه صرفا در صورتی که پزشک مرتکب قصور و تقصیر شده باشد می‌توان او را مستحق مجازات دانست؟ نگرانی از آنجاست که وقتی دستورالعمل‌های وزارت بهداشت، پزشکان و کادر بهداشت را حتی از مشاوره و توصیه‌های مربوط به غربالگری منع کرده و آن را مستوجب مجازات می‌داند طبیعتا این افراد از ارائه خدماتی حتی به صورت راهنمایی و مشاوره ترس و واهمه داشته و در این میان هیچ خدمات جایگزینی این خلا نگران‌کننده را پر نخواهد کرد. یکی از اهداف وضع قانون تأمین عدالت است. در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی «رفع تبعیضات ناروا» و «ایجاد امکانات عادلانه» برای همه، وظیفه دولت قلمداد شده و اصل ۲۹ بر همگانی‌بودن حق برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی تأکید می‌کند. از آنجایی که قانون مذکور از توصیه تا اراج‌ب به غربالگری را صرفا توسط پزشک متخصص مجاز دانسته و فرایند موجود در مراکز بهداشتی را که طی آن مشاوره، اراج‌ب و… مادران باردار با

توصیه ماما و پزشکان عمومی به صورت رایگان انجام می‌شود، ممنوع اعلام کرده است. خود مصداق تبعیض ناروا و تضییع حق سلامت و محدودکردن دسترسی طبقات ضعیف جامعه به خدمات بهداشتی است. چراکه بسیاری از خانواده‌های کم‌بضاعت، ساکنان روستاها و افرادی که آگاهی پزشکی چندانی در ارتباط با این موضوع ندارند اساسا به ابعاد چنین موضوعی واقف نبوده و بدون راهنمایی و ارجاع اولیه بدیهی است به پزشک متخصص هم رجوع نخواهند کرد. از طرفی این افراد بضاعت مالی جهت مراجعه به پزشک متخصص نداشته یا اساسا در نقاط محرومی چون روستاها پزشک متخصص وجود ندارد و مراقبت‌ها و معاینات دوره بارداری مادران تنها توسط مراکز بهداشت انجام می‌پذیرد. با وجود چنین تبعاتی باید داوری را به سنجه عدالت سپرد که آیا تحقق سیاستی چون افزایش نرخ زاد و ولد که از اهداف تصویب‌کنندگان قانون جوانی جمعیت است، به قیمت تهدید سلامت جامعه و تضییع حقوق افراد، سیاستی مصلحت‌آمیز است یا عملی عجولانه و غیرمسئولانه؟

✦**کارشناسی ارشد حقوق عمومی**

✦**کارشناسی ارشد حقوق کیفری**



شما هر جای دنیا بروید و بگویید که مردی یک دختر جوان را که همسرش بوده، به قتل رسانده و یک خبرنگار، به منظور اجرای رسانتش که نورتاباندن بر حقایق است، دست قاتل را رو کرده؛ اما قرار است همان خبرنگار را که موجبات دستگیری قاتل را فراهم کرد، راهی زندان کند، حتما متعجب خواهید شد. به‌ویژه وقتی که متوجه شوید مبینا قاتل حالا به‌راحتی برای خودش می‌چرخد و از مرخصی استفاده می‌کند

کار همدست هم داشته؛ اما قاتل ادعا کرده که فقط خودش در این کار دست داشته است. در متن خیر موکل من هم این موارد ذکر شده است و حالا آن را به حساب نشر اکاذیب گذاشته‌اند. از سوی دیگر، اتهام دیگر که انتشار تصاویر خصوصی است هم جای صحبت دارد؛ نخست اینکه شغل یک خبرنگار ایجاد می‌کند که برای نوشته‌هایش مدارک ارائه دهد. از سوی دیگر، تصویری که منتشر شده نه یک عکس خصوصی و در

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد

جاذبه مقصد، دافعه مبدأ نیز نقش دارد. تنها اثر برخورد‌های قهرآمیز و عدم ارائه خدمات هم کاهش ورود نخبگان و سراسرآمدن کشور افغانستان به ایران تغییر مسیر مهاجرت آنان به سایر کشورهای جهان بوده است. تا افغانستان سروسامانی نگیرد نمی‌توان صحبت از کاهش مهاجرت‌ها از این کشور و حتی بازگشت مهاجران به کشور خودشان به میان آورد. کمک‌های مستقیم مالی هم اصولا باعث بهبود ساختاری کشورها نمی‌شود. در افغانستان نیز شاید میلیارد‌ها دلار کمک مالی جهت تغییرات ساختاری هزینه شد. اما خروجی آن تسلط مجدد طالبان بر این کشور بود. شاید تنها روزنه امید برای بهبود افغانستان همان چیزی باشد که فروشنده بلیت موزه ملی افغانستان و بسیاری از پدرها و مادرهای مهاجر به آن پی برده‌اند: می‌سازند. تغییر نگرش‌های حاصل از باسوادی در نسل آینده و این نکته درمورد دختران‌شان به‌مراتب بیشتر صدق می‌کند.

ایران این روزها میزبان میلیون‌ها مهاجر افغانستانی است. این مهاجران نیازهای متنوعی دارند و مطمئنا تأمین این نیازها برای کشور ایران بار مالی فراوانی دارد.

در میان خدماتی که این مهاجران نیاز دارند، شاید تحصیل کودکان مهاجر به‌خصوص دختران مهاجر در نگاه اول کمتر اورژانسی به نظر بیاید. اما در نگاهی میان‌مدت و بلندمدت، اولویت اول ارائه خدمات به مهاجران باید تحصیل کودکان‌شان و به‌خصوص تحصیل دختران خانواده‌های مهاجر باشد. از نان و آب واجب‌تر، باسوادکردن کودکان مهاجر و به‌خصوص دختران است. دختری که حالا طالبان با ایجاد محدودیت شدید در تحصیل آنان، کمر به نابودی آینده افغانستان و کشورهای همسایه افغانستان بسته است. دختران افغانستانی باعث نسل آینده را می‌سازند. باید کودکان‌شان باسواد شوند. نباید آنان بی‌سواد باقی بمانند. افغانستانی‌ها چه در ایران بمانند و چه در افغانستان باشند، در هر صورت یک بازی برد– برد است. شاید اگر مدیران مدارس و مسئولان رده‌های مختلف آموزش‌وپرورش به اهمیت تحصیل کودکان مهاجر بی می‌بردند، به‌هیچ‌وجه به تمام‌شدن ظرفیت ثبت‌نام و دیگر بهانه‌ها اشاره نمی‌کردند… آینده افغانستان می‌تواند در کشور ایران رقم بخورد، اگر دخترهای حوریه بتوانند در مدارس ایران درس‌شان را ادامه بدهند اما…

✦**مدیر پژوهش انجمن دیاران**

مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در جریان دادگستری پرونده مبینا آزاد